

قنوات منطقه یزد در قرن هشتم هجری بر اساس یک سند تاریخی (وقفنامه جامع الخیرات)

ذات الله نیکزاد

عضو پژوهشکده بناها و بافت‌های تاریخی، پژوهشگاه میراث فرهنگی

zatnikzad@yahoo.com

فاطمه دانش یزدی

کارشناس تاریخ اداره کل میراث فرهنگی استان یزد

fdanesh2010@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۵

چکیده

کتابچه وقفنامه جامع الخیرات سندی از قرن هشتم هجری است که نشان می‌دهد واقف از منافع مال خویش بخشی را برای امور خیر و عام‌المنفعه در نظر گرفته و به ثبت رسانده است. علاوه بر آن نام بسیاری از قنوات منطقه یزد و سهام مربوط بدان‌ها و اطلاعات دیگری مانند تقسیم آب در آن ذکر شده است. در این وقفنامه به ۸۹ رشته قنات ابرکوه، تفت، رستاق، یزد، میبد، و مناطق خارج از یزد اشاره شده است. یافتن نام و نشان قنات‌هایی که از یاد رفته است از لابلای این متن ممکن است. در این نوشتار ضمن احصای اجمالی کلیه قنوات ذکر شده به تفکیک هر شهر یا منطقه، اطلاعات دیگری از کتب تاریخی نزدیک به عصر سند که می‌تواند مکمل بحث در شناخت بیشتر تاریخ بنیان، بانی و نام دیگر هر قنات باشد نیز ذکر شد. در ذیل قنوات، به اماکن گوناگون مانند مسجد، مقبره، آسیاب و جز آن نیز اشاره شده است. سیدرکن‌الدین با داشتن پشتوانه قوی سیاسی و جایگاه اجتماعی و دیوانی در قرن هشتم هجری، تحولاتی چند در وضع شهر و معماری پدید آورد و نیز خدمات سازنده‌ای در کشاورزی و آبیاری و به‌ویژه بهره‌برداری از قنات ارائه کرد. پسرش سیدشمس‌الدین نیز در ادامه راه پدر گام برداشت. مجموعه اقدامات یادشده در کتابچه وقفنامه جامع الخیرات، به طور جامع جمع‌آوری و در حافظه تاریخ ثبت شده است. در این تحقیق به جز مطالعه کتابخانه‌ای که شامل بازخوانی متن وقفنامه و ارائه شواهد از کتب تاریخی دیگر و استخراج نتایج از آن‌ها بوده، به مقتضای نیاز بررسی میدانی نیز انجام شده است.

واژه‌های کلیدی: قنات، یزد، وقفنامه جامع الخیرات، سیدرکن‌الدین، سیدشمس‌الدین.

صدقه اعلام شده است» (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۱۶).

امیر سیدرکن‌الدین محمد، متوفی به سال ۷۳۲ ق، در عهد خود از رجال معتبر شهر یزد بود و آثار و عمارات زیادی ایجاد کرد. اکنون مقبره او زیارتگاه مردم است. مهم‌ترین ابنیه و آثاری که از سیدرکن‌الدین در تاریخ ذکر گردیده، مدرسه، رصدخانه و مسجد رکنیه واقع در محله وقت و ساعت امروزی است (تصویر ۲). وی رقبات و موقوفات زیادی در یزد و حوالی آن بر جای گذاشت. فهرستی از مستحدثات مذکور و نیز جزء جزء وقفیات و طریقه هزینه‌کرد آن‌ها در *وقف‌نامه جامع‌الخیرات* نوشته آمده و ثبت شده است. هم‌چنین کتابچه مذکور وقفیات مربوط به مجموعه شمسیه واقع در شهر یزد و از مستحدثات سیدشمس‌الدین فرزند سیدرکن‌الدین را نیز شامل می‌شود (افشار، ۱۳۴۵: ۳۵۱).

«وقف‌نامه که نسخه اصل آن به عربی است، از لای دیوار خانه‌ای در عزآباد (آبادی میان یزد و مید) به در آمد و به همت محمدعلی وزیر به خط غلامعلی رئیس یزدی استنساخ شد» (افشار، ۱۳۴۵: ۲۵) و (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۲۳۴) و در سال ۱۳۴۱ با تصحیح ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه به چاپ رسید. از نسخه اصل هم در سال ۱۳۴۲ عکسی تهیه شد و نمونه چهار صفحه از آن در صفحات روبه‌روی ۲۴۰ - ۲۴۱ *جامع‌جعفری*، تألیف جعفر بن محمد بن حسن جعفری چاپ شد (افشار، ۱۳۴۵: ۲۵). و متن کامل آن در جلد دوم *یادگارهای یزد*، نیز تجدید چاپ شد (افشار، ۱۳۷۱: ۵۰). این کتاب در سال ۱۳۴۵ به همت سیدمکی مکیان و آقای خلیل خجسته، توسط سیدجعفر غضبان مترجم رسمی وزارت دادگستری ترجمه شد (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۲ و ۲۳۴) و اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه در سال ۱۳۶۰ ترجمه مذکور را به چاپ رساند. تحقیق حاضر از روی این نسخه چاپی تنظیم شده است.

تحقیق عمدتاً به صورت کتابخانه‌ای با تکیه بر بازخوانی متن *وقف‌نامه جامع‌الخیرات* بوده و هر جا که نیاز به تطبیق با متون دیگر بوده، به‌ویژه با رویکرد روشن ساختن مشخصاتی مانند نام، بانی، و تاریخ بنیان قنوت به متون تاریخی مرتبط مراجعه شده است. برای این منظور از متونی که به تاریخ تدوین *وقف‌نامه* نزدیک‌تر بودند، بهره‌گیری شد و در موارد اندکی که اطلاعاتی در دست نبود، به کتب دیگر مراجعه شد. در ادامه پژوهش بر حسب نیاز از مکان‌های مورد اشاره در متن سند بازدید شد.

۱. *وقف‌نامه جامع‌الخیرات*

احداث و بهره‌برداری قنات به عنوان احداثیه‌ای عام‌المنفعه از دیرباز در منطقه یزد مورد توجه بوده و سده‌های متمادی زیرساخت آبادانی شهرها و روستاها به حساب می‌آمد (تصویر ۱) و حیات اجتماعی و اقتصادی این منطقه بر محور قنات اداره می‌شد. کتب و اسناد تاریخی بسیاری به این موضوع اشاره دارند. از جمله این اسناد *وقف‌نامه‌هایی* است که از قرن هشتم هجری به بعد نوشته شده است. *وقف‌نامه ربع رشیدی*، *وقف‌نامه جامع‌الخیرات*، *وقف‌نامه امیرچخماق و سنی فاطمه* و *وقف‌نامه قنات دولت‌آباد* از آن جمله است. در این اسناد اطلاعات بسیار مفیدی درباره قنات یزد وجود دارد.

«*جامع‌الخیرات* تألیف سال‌های ۷۳۲ و ۷۳۳ ق، عبارت است از متن *وقف‌نامه‌ای* از سیدرکن‌الدین ابوالمکارم محمد بن نظام حسینی متوفی در ۷۳۲ ق و پسرش سیدشمس‌الدین که میان سال‌های ۷۳۳ تا ۷۳۴ ق به تسجیل عده‌ای از علما و قضات و نقبای یزد رسیده است» (افشار، ۱۳۷۱: ۴۹). این *وقف‌نامه* از حیث اشمال بر اعلام جغرافیایی شهر یزد و توابع، متضمن فوائد تاریخی بسیار است (همان: ۵۰). «صورت موقوفات بر دیوار دیوان قضا و بر درب مدرسه و دو ضلع دیوارهای گنبد موضوع این



تصویر ۱. عکس مایل هوایی از رشته قنات‌هایی در یزد (مأخذ: جرج گستر، ۱۹۷۶-۱۹۷۸).



تصویر ۲. مقبره سیدرکن‌الدین و میدان وقت و ساعت در مقابل آن. (مأخذ: مرکز اسناد میراث فرهنگی، پرونده ثبت بقعه سیدرکن‌الدین).

۲. ذکر قنوات منطقه یزد در جامع‌الخیرات

در وقف‌نامه جامع‌الخیرات از ۸۹ رشته قنات و دست کم ۱۵ شاخه^۱ مربوط به آن نام برده شده که متعلق به یزد، قهستان (تفت)، رستاق، مهریجر (مهریز)، میبد، ابرکوه، و توابع آن‌ها و برخی شهرها مانند: نایین و کاشان و قم هستند. اینها قناتی هستند که سیدرکن‌الدین و پسرش سیدشمس‌الدین سهمی در آن‌ها داشته یا مالک آن بوده اند (نقشه ۱) و برای امور خیر وقف نموده اند. برخی از این قنوات که امروز از بین رفته و گاه نام آنها در برخی کتب تاریخی دیده شده، در این وقف‌نامه با ذکر جزئیاتی معرفی شده است که از منظر مطالعات تاریخی حائز اهمیت است. تعدادی از قنوات با ذکر نام و میزان سهم آن‌ها و برخی دیگر با ذکر جزئیات بیش‌تری نام برده شده است. قنوات یادشده به تفکیک شهرها و مناطق متعلق بدان ذکر شده‌اند. در این‌جا محل بهره‌برداری قنات مورد نظر بوده و لذا قنات متعلق به محل بهره‌برداری دانسته شده است؛ یعنی آنچه که در نزد مالکان و استفاده‌کنندگان تا امروز نیز کاربرد دارد. چراکه اغلب منبع و مادرچاه قنات در منطقه‌ای است و آب آن فرسنگ‌ها دورتر در منطقه دیگری ظاهر شده و جریان می‌یابد.

۲. ۱. قنوات شهر یزد و حومه

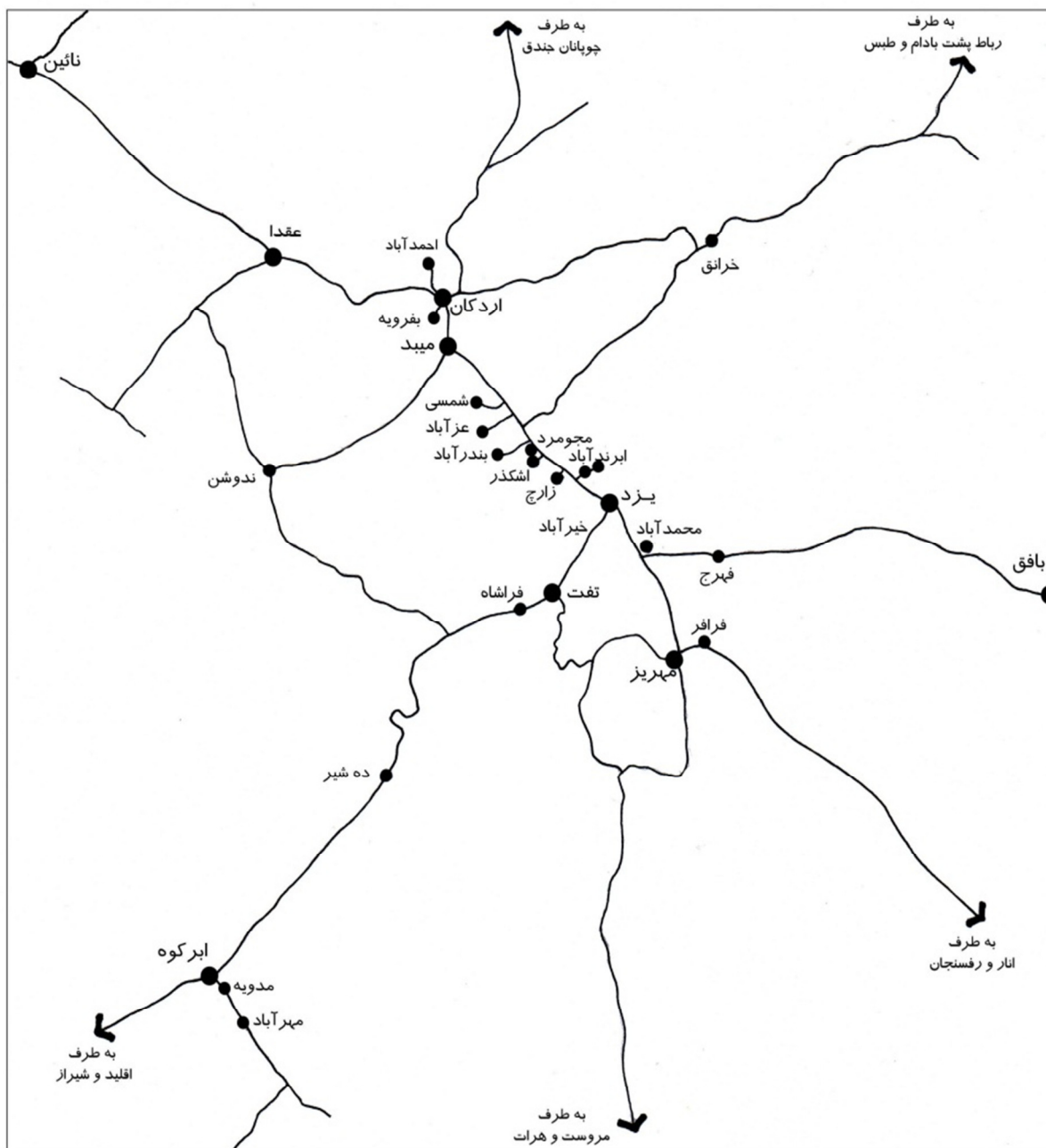
یزد در جلگه‌ای مسطح واقع است و از شمال و شرق با کویر مجاورت دارد هوای آن گرم است. احداث شهر یزد در پیش از اسلام همراه با داستان‌هایی در تواریخ نقل شده است. پیش از ذکر یزد در کتب تاریخی، از شهر کته به عنوان کرسی ایالت یزد نام برده شده (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۳۶) که برخوردار از قلعه و مسجد و حصار و چهار دروازه است. جغرافی‌دانان مسلمان، یزد را تا قرن پنجم هجری از توابع کوره استخر فارس دانسته اند (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۱۱). قدیمی‌ترین آثار در شهر کنونی یزد از قرن چهارم

هجری بر جای است. حصار و محدوده دوره آل کاکویه و آل مظفر یزد وجود دارد و گسترش شهر در دوره‌های بعد خارج از این حصارهاست. از قدیم‌الایام به سبب فقدان آب‌های روزمینی، آب یزد از کاریزها تأمین می‌شد. سرچشمه قنوات یزد عموماً از حوالی فراشاه (اسلامیه امروز)، مهریز و فهرج بوده که حوزه‌های غنی آبی بوده اند. از ۸۹ رشته قنات نام برده‌شده در جامع‌الخیرات، ۲۹ رشته مربوط به یزد است. در متون تاریخی نیز به قنوات شهر یزد اشارات بیش‌تری شده است. قنوات مذکور در وقف‌نامه به شرح ذیل است:

قنات **وقف‌آباد**، مهم‌ترین قناتی است که توسط سیدرکن‌الدین احداث شده، و منبع^۲ آن در صحرای^۳ قریه فراشاه است اول مظهر^۴ آن در صحرا و بلوک تفت و نصیری^۵ بوده و از دروازه مهریجر^۶ وارد شهر یزد می‌شده است و پس از عبور از دارالشفای صاحبیه^۷ به بازار بزرگ شهر جاری شده و از آنجا به مسجد جامع جدید و عتیق^۸ و داخل مدرسه، بقعه‌ها، بازار و خانه‌هایی که در حوالی آن است رفته و پس از عبور از سرای اتابکی^۹ و تأمین آب آسیاب جدید که در خانه جمال‌الدوله^{۱۰} ساخته شده به قنات مذویرآباد^{۱۱} ریخته می‌شده است تا در این قریه کشت و زرع کنند (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۳۵).

قنات **رئیس‌الدینی**، که منبع آن در فراشاه، اما نما و مجرای آن در تفت و نصیری بوده و بر اراضی این قریه‌ها جاری می‌شد. از آنجا سرچشمه می‌گرفته و وارد یزد می‌شد. این قنات از مهم‌ترین قنات‌هایی است که وارد مجموعه بناهای بانی (مدرسه رکنیه) می‌شده و در ادامه مسیر وارد حمام قاضی^{۱۲} و سپس خانه سید رکن‌الدین^{۱۳} می‌شده است (همان: ۱۷ و ۵۵). در مورد این قنات نیز بانی شرط کرده بود که متولی مدرسه رکنیه این اجازه را دارد که هر زمان آب قنات وقف‌آباد کم شد، به میزان یک سهم از

هشت سهم اصل قنات، وارد قنات وقف‌آباد گردد تا در مدرسهٔ رکنیه بتوانند از آن استفاده کنند (همان: ۳۵).



نقشه ۱. نقشهٔ استان یزد؛ جانمایی مناطقی که قنات آن در جامع‌النخیرات ذکر شده (مأخذ: نیک زاد. از روی نقشهٔ ایران، مقیاس ۱:۲۵۰/۰۰ گیتاشناسی).

قنات سعدآباد از قنوات حومه شهر است که در خلال و در بین قنوات تفت و نصیری واقع است (همان: ۱۱۶ و ۱۶۵). با تمام ملحقات و توابع و مضافات و آنچه منسوب بدان است (همان: ۱۷). البته از سعدآباد دیگری در ابرقو نیز نام برده شده است (همان: ۸۷ و ۱۵۵).

قنات مریاباد در حومه شهر (همان: ۱۶ و ۷۲ و ۷۵) است که همان مریم‌آباد^{۱۴} امروزی است. آب مریاباد از طرف مهریجرده می‌آید و در مزار شهدا جاری است و باغات و کشتخوان مریاباد بر آن کشت و زرع می‌کنند و آسیای مریاباد بدین آب دایر است (کاتب، ۱۳۵۷: ۲۲۰). این قنات و آن موضع را مریم‌ترکان والدة سلطان قطب‌الدین در ۶۱۰ق بنیان نهاد (مستوفی بافقی ۱۳۸۵ج ۳: ۷۰۹-۷۱۰).

قنات ابر و مبارکه که قنات با هم جریان دارند (سیدرکن‌الدین: ۱۶ و ۱۶۵). در قرن ششم هجری، دو کنیزک ارسلان خاتون، ابر و مبارکه دو قنات متصل به هم جاری کردند، مشهور به ابر و مبارکه. (جعفری، ۱۳۴۳: ۳۷). منبع هر دو آب از یک مقام است و با هم مخلوط است. و اول در محله مجوسان بر روی زمین ظاهر می‌شود (همان: ۱۷۹ و ۱۸۰). در اوایل قرن چهاردهم هجری این قنات خشکیده و سال‌ها از مدار استفاده افتاده بود اما نامش بر سر زبان‌ها بود و مردم می‌شناختند (آیتی، ۱۳۱۷: ۳۷). قنات کثویه، که در یزد واقع است. و آب آن اضافه بر اراضی صحرای شهر و بساتین آن می‌باشد (سیدرکن‌الدین: ۱۶ و ۷۲ و ۱۱۴). کاتب می‌نویسد آب [آن] نیکوست و در محله مجوس بر روی زمین ظاهر می‌گردد (کاتب، ۱۳۵۷: ۲۲۰). در جامع‌الخیرات، هم‌چنین از رشته قناتی به همین نام در میبد نام برده شده است.

قنات فهرج، از چهار شاخه سورنجان (سوربختان)، مسکرتان (مسکوتان)، بهنام، و خشک‌آباد (در جای دیگر بخسگان آورده شده) سیراب می‌شده است (سیدرکن‌الدین،

۱۳۶۵: ۲۲ و ۱۱۵). در وقف‌نامه ربع رشیدی نیز از پنج کاریز فهرج به صورت سورنجان، بهنام، مشکویان (مشکریان)، و جشنکاباد نام برده شده است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۰: ۴۷ و ۶۰).

قنات یعقوبی، واقع در حومه شهر (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۷۲ و ۷۵). این قنات را ابویعقوب اسفهلار علاءالدوله ساخته در سال اثنی و ثلثین و اربعمائه (۴۳۲ق) (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۸۱). هم از طرف مهریجرده می‌آید و بر باغات و کشتخوان آن محله جاری می‌گردد (کاتب، ۱۳۵۷: ۲۲۰).

قنات مرو، از قنوات شهر یزد است که در کنار قنات یعقوبی نام برده شده (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۱۶) و اطلاعات دیگری ندارد.

هم‌چنین از قنات خلیلی، مربوط به شهر یزد (همان: ۷۲ و ۷۵ و ۱۹۵) یاد شده است.

قنات‌های ده‌آباد و یزدآباد واقع در حومه شهر (همان: ۷۲ و ۷۵ و ۱۱۴). درباره این قنات در تاریخ جدید یزد ذکری شده است: «اما یزدگرد اصغر در یزد بناهای عالی بساخت و قصری رفیع برافراخت و مقنیان بیاورد و چند کاریز جاری کرد: یکی یزدآباد و دیگر ده‌آباد و ثالث بادین» (کاتب، ۱۳۵۷: ۳۲). یزدآباد در حدود ناحیه خاوری شهر یزد، در حدود جنت‌آباد قرار دارد (پویا، ۱۳۷۹: ۱۶۰).

قنات دهوک که در شهر قرار دارد (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۷۲ و ۱۳۷). از طرف مدوار^{۱۵} می‌آید و در آبشاهی^{۱۶} خلط می‌شود، و این آب ضعیف شده بود، امیر جلال‌الدین چقماق شامی کاریز او را عمارت کرد و آن آب زیاده شد و در حمام و کاروانسرای امیر مشارالیه جاری است تا در قلعه مبارکه، و چندین مصنعه از او مملو می‌گردد (کاتب، ۱۳۵۷: ۲۲۰). این قنات در وقف‌نامه امیر چقماق و سستی فاطمه، «خیرآباد دهوک» نام برده شده است (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵: ۸۷۶).

قنات مذویرآباد و ایرندآباد از دهات شهر (سیدرکن-الدین، ۱۳۶۵: ۲۱ و ۷۲ و ۱۴۶).

قنات بادین (پادین) جدید از قنات شهر یزد (همان: ۱۶ و ۷۵ و ۱۴۱ و ۲۱۸). در وقف‌نامه ربع رشیدی باذین-الجیدیده گفته شده است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۰: ۵۴ و ۵۵). همان‌گونه که درباره قنات یزدآباد و ده‌آباد بنا به قول کاتب گفته شد، قنات بادین نیز به یزدگرد کوچک نسبت داده شده است (کاتب، ۱۳۵۷: ۳۲).

قنات نرسوباد واقع در حومه شهر (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۷۵ و ۹۹ و ۱۳۷). که همان نرسوآباد است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۰: ۴۶). چهارصد سال است که کیانرسو جاری کرده است و بسیار محلات از آن فایده می‌یابند و به واسطه سیل قنات بایر گشت و اکنون به حال عمارت آورده اند (کاتب، ۱۳۵۷: ۲۲۲).

قنات بریاباد، از قنات حومه شهر یزد است (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۱۱۴)

قنات فیروزآباد محمودی، واقع در حومه شهر (همان: ۱۱۶).

قنات امیری^{۱۷} واقع در حومه یزد که منبع آن صحرای مهریجرد بوده است (همان: ۱۴۱).

قنات زارچ، که در مجارهای کوچک جاری است و واقف نهر آن را در زیر رصدخانه و مسجد جامع عبور داده و مبلغی را برای مرمت ممر آب و تنقیه نهر اختصاص داد (همان: ۱۴۳ و ۳۲). از این قنات در متون بسیاری نام برده شده است از جمله در تاریخ یزد آمده، در قرن ششم هجری «هم‌چنین گرشاسب مسجد جمعه در مقام درده بساخت و جماعت‌خانه عالی و کتبخانه و نهر قنات زارچ

در آن مسجد جاری کرد و قریب هفتاد پله فرو می‌باید رفت» (جعفری، ۱۳۴۳: ۳۷). اکنون جوی (پایاب) قنات با چنین پله‌های زیادی در صحن مسجد جامع یزد وجود دارد. قنات زارچ از مادرچاه آن که در حدود فهرج است، جاری بوده به زارچ می‌رسد (تصویر ۳، ۴ و ۵).

قنات قریه جاره (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۱۴۳) از توابع یزد.

قنات‌های خرائق و ویدران، واقع در قریه خرائق با توابع (همان: ۱۴۴).

قنات کوچه عباسی، که منبع آن در حوالی قریه ایرندآباد بوده و آب آن به طرف بلوک تفت و نصیری جریان داشته است (همان: ۱۹۵).

قنات محمودآباد شاهی، از قنات حومه شهر که منبع آن در قریه تفت و فراشاه بوده و با قنات تفت و نصیری جریان دارد (همان: ۱۹۴). افشار با استناد به جامع‌الخیرات نتیجه می‌گیرد که قطب‌الدین محمودشاه از اتابکان یزد متوفی در ۶۳۷ق آن را ایجاد کرده است (افشار، ۱۳۴۵: ۵۴).

قنات سمن، محل آن معین نشده و احتمالاً از قنات حومه یزد است (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۱۹۵).

از قنات محمودآباد، نیز در ذیل قنات یزد نام برده شده است (همان: ۲۲۱). «امیر محمود وزیر این آب جاری کرده و بیش‌تر شهر به این آب عمل می‌کنند و چهارصد سال است که جاری است و به آب وزیر مشهور است» (کاتب، ۱۳۵۷: ۲۲۲). و این غیر از قنات محمودآباد شاهی است که پیش از این ذکر آن رفت.



تصویر ۳. مقبره سیدرکن الدین (چپ تصویر)، بخشی از میدان وقت و ساعت در مقابل آن (پایین تصویر) و مسجد جامع که سیدرکن الدین بنا نهاده (راست تصویر)، با گنبد فیروزه‌ای در عکس دیده می‌شود (مأخذ: خبره‌دست، پایگاه پژوهشی شهر تاریخی یزد).



تصویر ۵. جوی گل‌کار یکی از پایاب‌های عمیق قنات زارچ در شهر یزد (مأخذ: ذات الله نیک‌زاد).

قنات چهارده در نزدیکی روستای خسروبربر (خروبربر در همین جا نام برده است) توسط سیدرکن‌الدین احداث شده است و با راه‌اندازی این قنات و ساخت باغات و خانه‌هایی برای اسکان بندگان آزادشده، قریه‌ای به همین نام (قریه چهارده) ایجاد شد (همان: ۲۱ و ۷۳ و ۱۱۷ و ۱۴۶). روستای چهارده پس از خشک شدن قنات مذکور به کلی متروک شده و اکنون آثاری از آن به صورت محوطه تاریخی بر جای است.

قنات شمس‌آباد^{۱۸} در این قریه که از مستحدثات واقف بوده، واقع در نزدیکی رباط با مضافات و توابع و ملحقات (همان: ۱۴۱).

قنات بندرآباد و قنات‌های ملک‌آباد مربوط به قریه بندرآباد (همان: ۲۱). از قرای رستاق (مستوفی باققی، ۱۳۸۵: ۸۷۹) واقع در غرب دزک رستاق (پویا، ۱۳۷۹: ۱۶۱).

قنات‌های محدثه اسفنجرد، همگی قنات‌های دهات بلوک رستاق اند (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۱۴۶).

قنات قریه گردفرامرز در دو فرسنگی یزد (همان: ۲۱). در ربیع رشیدی نیز از این قنات نام برده شده است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۰: ۸۹).

قنات اسفنجرد معروف به قنات قدیمی (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۷۳ و ۱۴۵).

قنات عزآباد (همان: ۷۴ و ۱۴۶).

قنات‌های خوردن اشکذر و حصه‌رنگ مربوط به قریه اشکذر (همان: ۱۴۶ و ۲۰۶). در ربیع رشیدی از قنات خورزن که آب آن فایض می‌شود بر قریه اشکذر، نام برده شده است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۰: ۹۷).

قنات خیرآباد واقع در ناحیه رستاق که توسط واقف ایجاد شده است (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۲۱۷).



تصویر ۴. پایاب قنات زارچ در مسجد جامع یزد مذکور در وقف‌نامه (مأخذ: ابراهیم کاظم نژاد).

۲.۲. قنات منطقه (بلوک) رستاق

بلوک رستاق منطقه‌ای است مابین یزد تا میبد که در قدیم نزدیک به ۳۰ روستا را شامل می‌شد. جامع‌الخیرات از نخستین منابع تاریخی است که در آن از واژه «رستاق» نام برده شده است. رستاق در تقسیمات جدید کشوری بخش عمده شهرستان جدید صدوق را تشکیل می‌دهد. منشأ قنات منطقه رستاق دامنه شیرکوه (تفت امروزی) و فهرج بوده است. در وقف‌نامه ۱۴ رشته قنات رستاق به شرح ذیل ثبت شده است.

قنات‌های مذویرآباد و اشکذر (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۲۰ و ۷۳).

قنات قریه مجومرد که به مجومرد کهنه و قنات کهنه معروف است (همان: ۲۱ و ۷۳ و ۱۴۵).

۲.۳. قنات بلوک قهستان قدیم (تفت)

بلوک قهستان که کوهستان هم نامیده می‌شد (نایینی ۱۳۵۳: ۳۱۰)، واقع در محدوده کوهستانی یزد که قرای تفت و نصیری و فراشاه مذکور در وقف‌نامه نیز شامل آن بوده، در تقسیمات جدید کشوری نام خود را از دست داده است. این بلوک مابین یزد و ابرکوه قرار داشته و اکنون جزء شهرستان تفت به شمار می‌رود. مجموعاً از ۸ رشته قنات در این بلوک نام برده شده است. «منبع قنات تفت از شیرکوه است» (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵ ج ۳: ۶۸۴). اهمیت قهستان در این است که سرچشمه بسیاری از قنات یزد از کوهستان همین منطقه است. در وقف‌نامه از ۸ قنات این منطقه نام برده شده که به شرح ذیل است:

قنات **تفت** در قهستان یزد که دارای دو شاخه بوری و تکران بوده است (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۲۲) و از پرآب‌ترین قنات استان شمرده می‌شده و تحت عنوان تفت و نصیری دارای ۵ شاخه اصلی بوده که وارد یزد می‌شده است. برخی قنات دیگر (وقف‌آباد، فراشاه، عضدآباد، و...) از مظهر آن سرچشمه و یا (قنات نوتفت، محمودآباد شاهی، سعدآباد، و...) در مسیر آن جریان داشته‌اند. برخی دیگر نیز (قنات کوچه عباسی که در نزدیکی ابرندآباد است) در مسیر راه نهایتاً به قنات مذکور ریخته می‌شده است (همان: ۱۹۳ و ۱۹۵). در تاریخ جدید یزد آمده است: «و آب تفت که اصل منبعش از دامن شیرکوه است از پنج ممر بیرون می‌آید، و فراشاه تابع این چشمه‌هاست که به یکدیگر مخلوط می‌گردد و از راه سانچ نهری دیگر می‌آید و بدین آب متصل می‌گردد» (کاتب، ۲۵۳۷: ۲۱۵). این قنات تا یزد هم می‌رسد. گواه آن این که اکنون کوچه آب تفت در یزد وجود دارد.

قنات‌های **تفت** و **نصیری**، با پنج شاخه مشهوره آن (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۹۹)،

قنات **تاج‌آباد** فراشاه که آب آن به صحرای تفت و

نصیری ریخته می‌شود (همان: ۹۹).

قنات‌های **فراشاه** و **عضدآباد** و **نوتفت** که منبع آن‌ها در تفت و فراشاه است (همان: ۱۹۴). طاحونه دولت‌آباد با گنبد و ساختمان‌هایش و آسیای شاشاز نیز با این آب می‌گشت (همان: ۱۹۷ و ۱۳۳). در جایی که عنوان شده آسیاب واقع در خارج شهر یزد در محلی موسوم به سرآسیا به نام خیرآباد که با آب قنات‌های تفت و نصیری می‌گردد (کاتب، ۱۳۵۷: ۱۱۵)، شاید همان آسیاب باشد.

قنات **فراشاه** به نام **جمال‌الدوله** که باغ‌ها، اراضی و کاروانسراها از قدیم و جدید داشت (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۲۲ و ۷۵).

۲.۴. قنات قصبه مهریجرده (مهریز) و حومه

مهریجرده یا مهریجرده همان مهریز کنونی است که از مجموع چند قریه تشکیل شده و خود شهری است. در قدیم مهریجرده قصبه‌ای بود که از توابع و نواحی بلده یزد شمرده می‌شد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۰: ۷۶ و ۴۷). گویند مهرنگار دختر انوشیروان ساسانی مهریجرده را بنا نهاده و قناتی احداث کرد. در **وقف‌نامه جامع‌الخیرات** از ۱۳ قنات در منطقه مهریجرده نام برده شده است. سرچشمه قنات مهریز از دامنه شیرکوه و به‌ویژه غربال‌بیز است.

قنات **مهریجرده** (**مهرجرده**) از چهار شاخه بغدادآباد، بازندازان، مهرپادین، و مذویرآباد تشکیل شده (سیدرکن‌الدین: ۲۲ و ۱۱۶). در جای دیگر ارزندان و هم‌چنین در **وقف‌نامه** ربع رشیدی ارزندان آورده شده است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۰: ۵۷). و علاوه بر آنچه یاد شد، برخی از قنات‌ها مانند خورمیز و مجدآباد و مهریز از مظهر آن جاری می‌شدند (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۱۹۳).

قنات **سریزد** و **خورمیز** از دهات مهریجرده (همان: ۲۲ و ۷۳ و ۷۵).

قنات **خویدک** با تمام ملحقات و متعلقات. (همان: ۲۳)

قنات **فرافتر** (همان: ۷۴) که امروز فرافر نامیده می‌شود. قنات روستای **محمدآباد** (همان: ۱۱۲ و ۱۱۵) مربوط به قریه سریزد واقع به ناحیه مهریجرده (مستوفی بافقی ۱۳۸۵: ۸۸۰).

قنات **آب‌های کوهستان** که در اصطلاح اربابان یزد **مدوار** گفته می‌شد، منبع آن در صحرای مهریجرده و مظهرش به اراضی بلوک مهرپادین بوده است (سیدرکن-الدین، ۱۳۶۵: ۱۹۴).

قنات **مهریزد**^{۱۹} که از دو رشته قنات **فرخان** و **بريجان** سیراب می‌شده است (همان: ۱۱۷). در ربیع رشیدی فرخان و رمیجان از کاریزهای سریزد گفته شده است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۰: ۵۰).

قنات **مجدآباد** (سید رکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۱۱۸).

۲. ۵. قنات قصبه میبد و حومه

میبد در سده‌های نخستین پس از اسلام شهری از کوره اصطخر بوده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۳۶). در شهر میبد آثاری از پیش از اسلام برپای است. دوران وسعت و آبادانی اساسی آن قرن هشتم هجری است (افشار، ۱۳۴۸: ۶۸). این شهر در قرون میانه پس از اسلام از بندرآباد در شمال آغاز و تا هفتاد در جنوب را شامل می‌شد. منبع تغذیه و تأمین آب قنات‌های میبد عموماً در حوزه آبریز کوه‌های ندوشن و خضرآباد است که در دشت وسیعی به نام چرخاب حد فاصل بندرآباد تا اشکدر قرار دارد (جانب‌اللهی، ۱۳۶۹: ۵۴). از ۱۰ قنات میبد در وقف‌نامه نام برده شده که به شرح ذیل است:

قنات **کثنویه** (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۴۶) که اکنون به نام کثنوا شناخته شده و از رباط شاه-عباسی و دروازه غربی با همین نام (کثنوا) به داخل رباط شاه‌عباسی و باغات شهر وارد می‌شود.

قنات **ده آمده** (همان: ۱۱۶). چنین دهی با این نام اکنون در میبد امروز شناخته نشده اما قنات آمده شناخته شده است. این قنات در زمین‌های بیده آفتابی شده و تا باغات و کشتخوان‌های کوچک‌باغ را سیراب می‌نمود. از سهام قنات آمده در مدینه میبد نام برده شده است (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵: ۸۷۸).

قنات **حارحا** (سیدرکن‌الدین: ۱۴۷) همان قنات خارچار یا خارزار است که از بالای سر روستای بندرآباد سرچشمه گرفته و مظهر آن روبه‌روی مسجد جامع میبد، در محل سرحوض بازار است (تصویر ۶).



تصویر ۶. کوره قنات خارچار میبد. مذکور در وقف‌نامه (عکس: نیکزاد).

قنات **اردکان**^{۲۰} با سهام مشهور به صاحبیه با تمام توابع (همان: ۱۲۶).

قنات **شیرین** واقع در صحرای اردکان که کاروانسرا بر سر راه آن قرار دارد (همان: ۱۴۷). کاریز شیرین مربوط به قریه‌ای به همین نام است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۰: ۴۶). در جامع **مفیدی** از کنده شدن قنات به دست یک نفر مقنی عاشق بر فردی به نام شیرین سخن گفته شده است (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵: ۷۲۵).

قنات **امیری** (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۱۶) که منبع آن در

قریه اردکان و باغاتی بدان متعلق است (همان: ۲۱۷).

قنات قریه **افردباقی** (همان: ۱۴۶) نزدیک قرای کشتخوان‌های ترک‌آباد و بفرویه (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۰: ۶۰).

دو قنات قریه به نام **ملت‌آباد** و **بارحوک** (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۱۴۸) با توابع آن از حدود و حقوق و مرافق و مسیل‌ها و مجاری و توابع و مضافات و چاه‌ها و نهرها (همان: ۱۵۰).

قنات **فتح‌آباد**، از قنات نزدیک شهر میبد بوده و منبع آن بین دو قریه چهارده و حملان قرار داشت. مزرعه‌ای نیز به همین نام وجود داشت (همان: ۲۰۳).

۲. ۶. قنات منطقه ابرقو (ابرکوه)

ابرکوه شهری است کهن که آثار پیش از اسلام در آن وجود دارد. محله‌های شهر بر روی بستری سنگی بنا نهاده شده است. و به دلیل موقعیت آن در کنار کوه، «برکوه» و «برقویه» نامیده می‌شد (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۵۳؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۳۷؛ مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۲۱). پس از اسلام شهر از اهمیت برخوردار بوده و آثار مهمی از قرن چهارم به بعد برجای است. مجموعاً از ۱۲ رشته قنات و یک نهر در ابرکوه به شرح زیر نام برده شده است:

نبادان (نوادان) از قنات حومه شهر (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۴۹ و ۱۶۱). با تمام مضافات و متعلقات و آنچه بدان منسوب است چه در بالا و چه در پایین مجاری آب و درها (همان: ۱۶۰). محله نبادان اکنون در درون شهر ابرکوه قرار دارد.

قنات **سدجان** و **فتح‌آباد** و **مکرم‌آباد** و **لومکین** از قنات شهر که در یک نهر به نام **سدجان** می‌ریزد (همان: ۴۹).

قنات **فخرآباد** و **سول** که بین دو قریه تاج‌آباد و

مهرآباد قرار دارد، با مزرعه و توابع و لواحق و اراضی سهام و متعلقات (همان: ۵۰).

قنات‌های **ورزخان** (همان: ۵۲).

قنات **سعدآباد (بیم)** و مزرعه مربوط، در راه یزد یک فرسنگ مانده به ابرقو (همان: ۸۷ و ۱۵۵).

قنات **سقا** مربوط به شهر (همان: ۸۶).

قنات **حال‌کو** واقع در صحرای قریه فوائد (قواعد) (همان: ۱۵۵).

قنات **نیادوبر** در حومه شهر (همان: ۱۵۵).

از قنات **مدومه** نیز با ذکر سهمی نام برده شده است (همان: ۱۵۶).

۲. ۷. قنات خارج از یزد

چند قناتی که مربوط به شهرهای مناطق غیر یزد هستند، عبارت‌اند از: قنات **سودرجان** و قنات **خرندز** نایین که از موقوفات مدرسه رکنیه است (همان: ۵۲) و قنات **حبیص** نایین (همان: ۹۲). قنات قریه **قرینه** قم که با رباط ساخته شده از مستحدثات واقف است و قنات **میل** قم، بین جاده قم و آوه در یک صحرای بی‌آب و علف همراه با رباط و قریه‌ای که واقف ایجاد کرده است (همان: ۱۶۴). از **نهر باغ بودستان** واقع در حراق کاشان (همان: ۸۸) در وقف‌نامه نام برده شده است.

۳. تقسیم آب در جامع‌الخیرات

در متن وقف‌نامه از واژه‌هایی که نشان‌دهنده تقسیمات آب در قرن هشتم هجری در مناطق گوناگون بوده، استفاده شده که با تعاریف قیدشده در متن در اینجا ذکر می‌شود. واژگانی مانند: جره، طشت، طشت شربی، سرقه، سره، طسوج، جریب، جریب شربی، قفیز، پیمان، دانق، جرء فهری، و نحله.

جره: جره عبارت است از مقدار معینی از سهم آب که کم یا زیاد نشود (همان، ۱۳۴۵: ۱۷). در لغت‌نامه دهخدا **جره** به معنای خمچه و سبو و ظرفی است که میان آن بزرگ است و دهان گشادی دارد (دهخدا، ۱۳۴۳: ۳۷۳). البته همین مقدار سهم (جره) نیز به استناد وقف‌نامه، در نواحی مختلف یزد با اسامی دیگر خوانده می‌شده مانند: **طشت** در ابرندآباد (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۲۰) و **سرقه** در ابرکوه (همان: ۵۱). تشت اکنون نیز در میان بهره‌برداران قنات کاربرد دارد. تشت یا سبو کاسه‌ای مسی است که ته آن سوراخ کوچکی تعبیه شده است و یک ظرف بزرگ سفالی را پر از آب می‌کنند و کاسه مسی را داخل آن می‌اندازند و آب به تدریج از سبو وارد کاسه مسی می‌شود و وقتی کاسه پر شد به ته آب می‌رود. زمان پر شدن کاسه ۱۱ دقیقه است (سمسار یزدی، ۱۳۸۳: ۲۴۹).

ناگفته نماند علاوه بر اینکه اصطلاح **طشت** و **سره** معادل **جره** آورده شده است، میزان سهم هر یک از نواحی یزد نیز با اسامی دیگری همچون: **طسوج**، **جریب**، **قفیز** و غیره خوانده می‌شود که احتمالاً تفاوت‌های ناچیزی با یکدیگر داشته‌اند. **سره** به معنی ناف، میانه وادی و بهترین جای در روی و میانه هر چیزی. **سره الحوض:** قرارگاه آب در تک حوض (دهخدا، ۱۳۴۳: ۴۹۹).

در مهریجرده هر سهم عبارت از یک **جریب شربی** بوده و آن برابر است با ده **قفیز** و قفیز عبارت از مقدار معینی در نزد مالکین (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۲۲).

در نواحی میبد هر سهم را **طسوج** می‌خوانند (همان: ۱۴۷) که یک هشتم شبانروز است که عبارت است از بیست و چهار **طشت** (همان: ۱۱۵ و ۱۱۶). در صورتی که در شمس‌آباد همان میزان را **سبو** (همان: ۱۴۷) و یا در قریه افردباقی **طشت** گفته می‌شده است (همان: ۱۴۶) و **طشت شربی** نیز در فهرج استعمال می‌شد (همان: ۱۱۵).

واژه **جریب** و **قفیز** نیز اگرچه بیش‌تر برای املاک کاربرد دارد، در قرن هشتم نیز در تقسیم آب استعمال داشته است و هر **جریب** را برابر با ده **قفیز** آب‌خور حساب می‌کردند (همان: ۷۲). و هر ده **قفیز** را یک **پیمان**ه قلمداد می‌کردند (همان: ۲۲۰). در روستای حراق از توابع کاشان که آب‌های آن وقف بر بندگان آزادشده بوده، میزان سهم را **دائق** آورده است (همان: ۸۶).

علاوه بر این در جامع‌الخیرات دو واژه **جره فهری** و **نحله** آورده شده است که شاید در تقسیم‌بندی آب، مستقیماً دخیل نباشند. اما به میزان سهم آب نهرهایی که به قنات منتهی می‌شده، **جره فهری** و توابع اطراف قنات را **نحله** می‌گفتند (همان: ۱۶۹). از جمله در وقف‌نامه آمده: «... سه هزار سهم اصل سهام نهریه از قریه مذکور به نام قنات حصه‌رنگ که هر سهمی یک جره فهری است» (همان: ۲۰۶).

در قدیم چون ساعت امروزی نبود، برای سهمیه‌بندی آب از واحد سبو یا جره استفاده می‌کردند (سمسار یزدی، ۱۳۸۳: ۴۱). در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان گفت که سبو و جره و تشت همانند است. و در واقع رایج‌ترین واحد تقسیم‌بندی زمان برای آبیاری است. منتها زمان آن در آبادی‌های مختلف از ۷/۵ تا ۱۱ دقیقه متفاوت است (سمسار یزدی، ۱۳۸۳: ۱۳۱). قابل ذکر است که کاربرد بسیاری از این واژگان و نظام تقسیمات آب قنات، بدان‌سان که در وقف‌نامه بدان اشاره شده، تا امروز نیز حفظ شده است. این نشان می‌دهد که نظام بهره‌برداری از قنات، در قرن هشتم هجری به پختگی تمام رسیده بود.

۴. ملحقات قنات در جامع‌الخیرات

لازم به ذکر است زمانی که از قنات صحبت می‌کنیم، صرفاً خود قنات یا مظهر و منبع آن مد نظر نیست، بلکه برخی از قنات‌ها دارای ملحقاتی هستند که در وقف‌نامه

بدان اشاره شده است. سد، جدول، چاه، نهر، منبع، مظهر، و محل آبریز از جمله ملحقات به‌شمار می‌رود.

قنات سعدآباد با ملحقاتی چون: سد و جدول و چاه و نهر، برخی اراضی پسته‌کاری و دشت‌ها را سیراب می‌کرده است (سیدرکن‌الدین، ۱۳۶۵: ۱۷). قنات خویدک (همان ۱۳۶۵: ۲۲) و قنات نبادان در ابرقو (همان: ۴۹) دارای ملحقاتی چون منبع و مظهر و محل آبریز نیز بودند که با خود قنات وقف شده‌اند. نهر نیز از اجزای قنات بوده است. چنان‌که در ابرقو نیز از وجود نهر سدجان نام برده شده که آب چهار قنات سدجان و فتح‌آباد و مکرم‌آباد و لومکین به آن ریخته می‌شد (همان: ۵۰).

نتیجه‌گیری

با توجه به حضور و فعالیت سیدرکن‌الدین در یزد که بانی وقفیات جامع‌الخیرات است، از مجموع ۸۹ رشته قناتی که در وقف‌نامه از آن‌ها نام برده شده است، عمده آن مربوط به شهر یزد بوده و بقیه به شهرهای دیگر مربوط می‌شود که نشان می‌دهد دامنه نفوذ واقف، تمام منطقه یزد و شهرهای خارج از آن مانند قم و کاشان نیز بوده است. به جز قنات نام برده‌شده در وقف‌نامه، مسلماً رشته‌های بیشتری در منطقه یزد جریان داشته که حاصل تجربه و آزمون چند صد ساله بوده است. قناتی که در این متن از آن‌ها نام برده شده، از مستحدثات واقف است که به روشنی در این باره توضیح داده شده است، مانند: قنات‌های وقف‌آباد که از فراشاه به یزد جریان داشته، قنات چهارده همراه با قریه مربوط و قنات خیرآباد واقع در رستاق و قنات قریه قم به انضمام کاروانسرا. می‌توان نتیجه گرفت که باقی قنات نام برده‌شده پیش از قرن هشتم هجری جاری شده^۱، اما سهام قابل توجهی از آب این قنات‌ها در اختیار واقف بوده و برای امور خیریه در نظر گرفته شده است. با توجه به بررسی متن وقف‌نامه جامع‌الخیرات، بهره-

برداری از قنات به عنوان دانشی گسترده در در سده هفتم/ هشتم هجری در منطقه یزد به شمار می‌رفت و جاری ساختن قنات پایه و اساسی برای آبادانی شهرها و روستاها به شمار می‌رفت. تعداد قابل توجه رشته‌های قناتی که در یک سند قرن هشتم هجری برای مصارف گوناگون از آن‌ها نام برده شده نشان می‌دهد که این عنصر به طور چشم‌گیری در حیات تمدنی نقش فعال ایفا می‌کرده است.

توسعه صنعتی در منطقه کویری یزد دست‌کم در سه دهه اخیر، علاوه بر تبعات گوناگون آن، سبب خشک شدن تدریجی رشته‌های قنات در برخی مناطق شده است. دشت یزد که در حد فاصل شهر یزد تا حدود عقدا گسترده شده، بیش از همه متأثر از این فرآیند بوده است. به طوری که تقریباً تمامی رشته قنات‌های کهن سال این حوضه آبی به طور کامل خشک و بی‌آب شده و بسیاری از آن‌ها از مدار بهره‌برداری خارج شده‌اند. این وضع شامل بسیاری از قنات ذکرشده در جامع‌الخیرات که متعلق به شهرها و روستاهای وابسته به یزد، رستاق، میبد، و اردکان بوده نیز می‌شود. هم‌چنین قنات‌هایی که مادرچاه آن‌ها در فهرج بوده نیز دچار چنین سرنوشتی شده‌اند. اما بیش‌تر قنات اشاره‌شده متعلق به مهریز و ابرکوه و نفت، زنده و جاری - اند. با مطالعه و بازبینی وقف‌نامه‌های دیگری که در حوزه یزد به تحریر درآمده، تصویر روشن‌تر و کامل‌تری درباره قنات این منطقه عرضه خواهد شد.

پانوشت‌ها:

۱. مقصود انشعابات است که یا از رشته اصلی قنات جدا شده و به محدوده‌ای آب‌رسانی می‌کند یا رشته‌ای فرعی که به کوره اصلی قنات می‌پیوندد.
۲. سرچشمه (فرهنگ فارسی معین، ذیل «منبع»).
۳. دشت (نعت‌نامه دهخدا، ذیل «صحرا») در یزد و مناطق اطراف به کشتزار خارج از آبادی صحرا می‌گویند.

۴. پیدا، آشکار کرده، آشکار شده (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «مظهر».)
مظهر قنات نخستین جایی است که آب از کانال زیر زمین به روی زمین آمده و آفتابی می‌شود.
۵. «تفت» همان محله‌ای است که امروز «گرمسیر» می‌نامند و در بخش جنوبی شهر واقع و «نصیری» در واقع «نَسری» است و این بلوک امروز محله «سردسیر» نامیده می‌شود و در بخش شمالی شهر واقع است. در این باره نک: (پویا، ۱۳۸۰).
۶. بقایای یکی از برج‌های خشتی دروازه مهریجرده که چند سده بعد به نام دروازه مهریز شناخته شد، اکنون در ابتدای بازار شازده فاضل یزد بر جای است (بر اساس مشاهده میدانی).
۷. مابین دروازه مهریجرده و بازار بزرگ داخل حصار یزد قرار دارد (سیدرکن‌الدین: ۱۹۶).
۸. جامع جدید همان مسجدی است که سیدرکن‌الدین ساخته و گنبدخانه و ایوان و شبستان‌های جانبی و سردر بلند آن امروز بر جای است. و جامع عتیق همان مسجد شبستانی است که دختران فرامرز کاکویه در قرن ششم هجری در یزد بنیان نهاده و در دهه ۴۰ هجری بر روی آن مسجدی جدید ساخته اند.
۹. این سرا امروز شناخته نیست.
۱۰. آسیاب و خانه مذکور امروز شناخته نیست.
۱۱. به استناد متن وقف‌نامه، مذویرآباد در دو مکان یزد وجود داشته، یکی در مهریجرده (مهریز امروزی) و دیگری در خود شهر یزد که قنات آن بیش‌تر برای امور کشاورزی استفاده می‌شده است (سیدرکن‌الدین: ۳۵) و آن روستایی است در رستاق.
۱۲. این حمام امروز شناخته نیست.
۱۳. این خانه امروز شناخته نیست.
۱۴. امروز در گویش عموم مردم یزد، مُریوا (مُریابا) نامیده می‌شود.
۱۵. از روستاهای حومه مهریز است.
۱۶. از فرای جنوبی شهر یزد.
۱۷. از قنات امیری دیگری نیز در قریه اردکان نام برده شده است.
۱۸. شمس‌آباد دیگری نیز در میبد وجود دارد که رشته قناتی به همین نام دارد.
۱۹. مهریز نامی روستایی از توابع مهریجرده قدیم (مهریز امروز) است که در این وقف‌نامه از آن نام برده شده و به واژه مهریز بسیار نزدیک است. ولی حدود و ثغور آن مشخص نشده است.
۲۰. به استناد جامع‌الخیرات و ربع رشیدی، قریه اردکان در قرن هشتم هجری از جمله دهات میبد بوده (سیدرکن‌الدین: ۱۴۷) و (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۰: ۶۹). اما چند سده بعد توسعه یافته و خود شهری معتبر شده است.
۲۱. تا جایی که در متون و اسناد تاریخی اطلاعی در دست بود، در متن مقاله آورده شده است.

منابع:

- آغاسی، عبدالوحید و جواد صفی‌نژاد، (۱۳۸۳)، *واژه‌نامه قنات*. شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد، یزد.
- آیتی، عبدالحسین، (۱۳۱۷)، *تاریخ یزد*. ج ۱. ناشر مولف، چاپخانه گلپهار یزد، یزد.
- ابن حوقل، (۱۳۴۵)، *صورة الارض*. ترجمه جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، (۱۳۷۳)، *مسالك و ممالک*، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، موقوفات دکتر محمود افشار، تهران.
- افشار، ایرج، (۱۳۴۵)، *یادگارهای یزد*، ج ۱، انتشارات انجمن آثار ملی ایران، تهران.
- افشار، ایرج، (۱۳۷۱)، «یزدنامه. ج ۱»، در *فرهنگ ایران‌زمین*، ش ۳۶، تهران.
- بهروان، حسین، (۱۳۶۸)، «وقف در جامعه اسلامی ایران»، در *مشکوه*، ش ۲۵.
- پایلی یزدی، محمدحسین و مجید لباف خانیکی، (۱۳۷۹)، «نقش قنات در شکل‌گیری تمدن‌ها»، در *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی قنات*، یزد.
- پایلی یزدی، محمدحسین و مجید لباف خانیکی، (۱۳۸۲)، *قنات‌های تفت*، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

- پویا، سیدعبدالعظیم، (۱۳۷۹)، *آب‌نامه یزد* (جلد اول شناخت سرزمین)، چ ۱، انتشارات آوای نور، تهران.
- پویا، سیدعبدالعظیم، (۱۳۸۰)، «بازشناسی نام و نام‌گذاری تفت»، در *مجله فرهنگ یزد*، ش ۱۲ و ۱۳، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد.
- جانب‌اللهی، محمدسعید، (تابستان ۱۳۶۹)، «نظام تقسیم و حسابرسی و خرید و فروش آب در آبیاری سنتی مید»، در *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ش ۱۷، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن، (۱۳۴۳)، *تاریخ یزد*. به کوشش ایرج افشار. بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۳)، *لغت‌نامه دهخدا*، زیر نظر دکتر محمد معین، دانشگاه تهران، تهران.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ابی‌الخیر بن عالی، (۱۳۵۰)، *وقف‌نامه ربع رشیدی*، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، انجمن آثار ملی ایران، تهران.
- سمسار یزدی، علی‌اصغر با همکاری جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۳) *تدوین تجربیات خبرگان قنات*، چ ۱. شرکت مهندسی مشاور ستیران، صاحب امتیاز: شرکت مدیریت منابع آب ایران، تهران.
- سیدرکن‌الدین، محمد، (۱۳۶۵)، *وقف‌نامه جامع‌الخیرات*، ترجمه سیدمحمدجعفر غضبان، اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان یزد، یزد.
- کاتب، احمد بن حسین بن علی، (۱۳۵۷)، *تاریخ جدید یزد*. به کوشش ایرج افشار، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- مستوفی بافقی، محمد مفید بن محمود، (۱۳۸۵)، *جامع مفیدی*، به کوشش ایرج افشار، انتشارات اساطیر، تهران.
- نایینی، محمد جعفر بن محمدحسین، (۱۳۵۳)، *جامع جعفری*، به کوشش ایرج افشار، انجمن آثار ملی ایران، تهران.